

به نام خدا

فساد و توسعه اقتصادی

مطالعه تطبیقی-تاریخی ایران و مالزی

مولفان :

زینب عزیزی

دکتر حسین نژاد ممرآبادی

انتشارات بامن

(با همکاری چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۱

سرشناسه: عزیزی، زینب، ۱۳۶۰-
عنوان و نام پدیدآور: فساد و توسعه اقتصادی؛ مطالعه تطبیقی - تاریخی ایران و مالزی / مولفان
زینب عزیزی، حسین حسین نژاد ممرآبادی.
مشخصات نشر: بامن (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۳۸۹ص: جدول، نمودار.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۵۱-۶۴-۹-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۵۵-۳۸۹.
موضوع: فساد -- ایران -- پیشگیری -- سیاست دولت
Corruption -- Iran -- Prevention -- Government policy
فساد -- مالزی -- پیشگیری -- سیاست دولت
Corruption -- Malaysia -- Prevention -- Government policy
رشد اقتصادی -- ایران
Economic development -- Iran
رشد اقتصادی -- مالزی
Economic development -- Malaysia
اقتصاد تطبیقی
Comparative economics
موضوع: مالزی -- سیاست اقتصادی
Malaysia -- Economic policy
ایران -- سیاست اقتصادی -- قرن ۱۴
Iran -- Economic policy - ۲۰th century

شناسه افزوده: حسین نژاد ممرآبادی، حسین، ۱۳۴۷ -
شناسه افزوده: Hossein Nejad Mamarabadi, Hossein
رده بندی کنگره: JF1۵۲۵
رده بندی دیویی: ۳۵۳/۴۶۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۳۵۹۲۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: فساد و توسعه اقتصادی: مطالعه تطبیقی - تاریخی ایران و مالزی
مولفان: زینب عزیزی - دکتر حسین حسین نژاد ممرآبادی
ناشر: بامن (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱
چاپ: مدیران
قیمت: ۳۱۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۵۱-۶۴-۹-۹
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۱۳	فصل اول: مالزی
۱۳	مقدمه
۱۹	جغرافیا، جمعیت
۲۱	سلسله مراتب سیاسی
۲۲	قانون اساسی
۲۳	ساختار فرهنگی مالزی
۲۳	تنوع ادیان
۲۵	تنوع قومی
۲۹	نقش اقلیت های چینی در اقتصاد منطقه
۳۱	حوادث مناقشه برانگیز در مالزی
۳۱	نقش برنامه سیاست نوین اقتصادی در حل اختلافات قومی
۳۶	استراتژی های رهبران مالزی در جهت رفع اختلافات قومی
۳۸	نقش ماهاتیر محمد در رفع اختلافات قومی
۴۰	نتیجه گیری
۴۱	آموزش و پرورش
۴۳	توسعه کیفی دانشگاه
۴۵	ساختار اقتصادی و توسعه در مالزی
۵۰	۱-صنعتی شدن

۵۵	۲- خصوصی سازی.....
۵۸	برنامه های توسعه مالزی.....
۵۸	- برنامه چشم انداز.....
۵۹	- برنامه پنج ساله توسعه.....
۶۰	- ارزیابی نیمه اول برنامه پنج ساله.....
۶۱	- سیاست اقتصادی نوین (۱۹۷۱ - ۱۹۹۰).....
۶۳	- سیاست توسعه نوین (۱۹۹۱ - ۲۰۰۰).....
۶۶	گردشگری.....
۶۸	ساختار سیاسی مالزی.....
۶۸	حزب آمنو.....
۶۹	دموکراسی در مالزی.....
۷۴	آزادی رسانه ها.....
۷۶	صنعت رسانه در مالزی.....
۷۸	دو دیدگاه متفاوت نسبت به ارتباطات در مالزی.....
۸۰	کنترل دولتی رسانه ها در مالزی.....
۸۲	تئوری آزادیخواهانه.....
۸۳	قوانین رسانه ای.....
۸۳	۱- آزادی بیان و آزادی اطلاعات.....
۸۵	۲- قانون مطبوعات چاپی و انتشار(پی.پی.پی.آ.).....
۹۰	۳- قانون پخش.....
۹۱	۴- قانون امنیت ملی یا قانون آی. اس. آی.....
۹۳	۵- روکون نگارا.....
۹۴	۶- قانون اسرار رسمی.....
۹۴	۷- قانون فتنه.....

۹۶قانون برنامه ۸-.....
۹۶قوانین مربوط به اینترنت و فضای وب.....
۹۸نقش رسانه های مجازی در پیروزی انتخاباتی ماهاتیر محمد.....
۹۹موضع دولت در رسانه های مجازی.....
۱۰۰مردم و رسانه های مجازی.....
۱۰۲مقایسه رسانه های سنتی و رسانه های مجازی در مالزی.....
۱۰۳اقدامات حکومت مالزی در جهت کنترل رسانه های مجازی.....
۱۰۴دیدگاه مردم مالزی نسبت به رسانه های دولتی.....
۱۰۶دیدگاه های سازمان های بین المللی نسبت به جایگاه رسانه های مالزی.....
۱۰۹دیدگاه روزنامه نگاران و احزاب مخالف درباره جایگاه رسانه ها.....
۱۱۰دیدگاه ماهاتیر محمد به آزادی مطبوعات.....
۱۱۱معیارهای تجزیه و تحلیل حق آزادی رسانه ها در مالزی.....
۱۱۳فساد در مالزی.....
۱۱۵دیدگاه ماهاتیر محمد در مبارزه با فساد.....
۱۱۶سیر تاریخی قوانین مبارزه با فساد و تأسیس نهاد مبارزه با فساد.....
۱۱۹ابزارهای قانونی مبارزه با فساد.....
۱۲۶برنامه ملی درستیکاری (ان.آی.پی) و INTEGRITI.....
۱۲۷چالش های اصلی فساد در مالزی.....
۱۳۲فساد مالی نجیب رزاق نخست وزیر.....
۱۳۵نخست وزیری دوباره ماهاتیر محمد و تأثیر آن بر مبارزه با فساد.....
۱۳۶تقویت اصلاحات حکومتی و طرح ملی مبارزه با فساد (ان.آ.سی.پی).....
۱۴۰نتیجه گیری.....
۱۴۰ماهاتیر محمد : معمار مالزی نوین.....
۱۴۲زندگی خصوصی.....

۱۴۳	زندگی سیاسی.....
۱۴۹	فصل دوم: ایران.....
۱۴۹	مقدمه.....
۱۵۵	جمعیت و جغرافیا.....
۱۵۶	ارکان اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران.....
۱۵۸	ساختار فرهنگی.....
۱۵۸	تأثیر فرهنگ ایرانی در ساختار حکومتی.....
۱۶۳	تنوع قومی.....
۱۷۳	نابرابری در توسعه متوازن استان ها.....
۱۷۴	راهکارهای اقتصادی.....
۱۷۵	راهکارهای فرهنگی.....
۱۷۷	قوم گرایی در فضای مجازی.....
۱۷۸	جایگاه نخبگان.....
۱۷۹	چرخش نخبگان.....
۱۸۱	فرار نخبگان.....
۱۸۳	ویژگی های داخلی تشدید کننده خروج نخبگان.....
۱۸۴	راهکارهای جلوگیری از خروج نخبگان.....
۱۸۵	نخبه کشی.....
۱۸۶	ساختار اقتصادی.....
۱۸۶	برنامه های توسعه در ایران.....
۲۰۰	هاشمی رفسنجانی.....
۲۰۰	زندگی خصوصی.....
۲۰۱	زندگی سیاسی.....
۲۱۱	جنبش دانشجویی در دوره رفسنجانی.....

۲۱۹	بعد اقتصادی
۲۳۱	سید محمد خاتمی
۲۳۱	زندگی خصوصی
۲۳۴	زندگی سیاسی قبل از ریاست جمهوری
۲۳۵	دولت سید محمد خاتمی
۲۳۵	بعد سیاسی
۲۴۲	دستاوردهای دولت خاتمی در سیاست خارجی
۲۵۴	دموکراسی
۲۶۳	بعد اقتصادی
۲۸۱	حوزه فرهنگی در دوره خاتمی
۲۸۹	فساد
۳۰۳	نقش قوه قضائیه در مبارزه با فساد
۳۰۴	انواع فساد در ایران
۳۰۴	۱- فساد سیاسی
۳۰۵	۲- فساد اداری
۳۱۰	۳- فساد اقتصادی
۳۱۹	نشانه های دولت رانتیر در ایران
۳۲۵	فصل سوم: مقایسه و نتیجه گیری
۳۲۵	مقایسه ایران و مالزی
۳۲۵	۱- حوزه فرهنگی
۳۲۹	۲- حوزه اقتصادی
۳۳۶	۳- حوزه سیاسی
۳۵۳	منابع

مقدمه

توسعه نتیجه بسیج نیروهای مادی و انسانی برای اهداف مترقی توسعه یافتگی است و از این رهگذر است که فقر بی‌سواد، وابستگی و اختناق جای خود را به رفاه و آزادی و قدرت می‌دهد. گاهی توسعه اقتصادی به‌اشتباه با رشد اقتصادی یکسان فرض می‌شود در حالی که توسعه اقتصادی شامل تحولات و تغییرات بنیادین اقتصادی است که از سطح کمی فراتر رفته و با کیفیت از جمله به‌کارگیری نهادها و ظرفیت‌های خالی، افزایش کارایی اقتصادی، افزایش ظرفیت‌های تولیدی (فیزیکی، انسانی، اجتماعی و...) سروکار دارد. در توسعه اقتصادی توان بهره‌برداری از منابع موجود به‌صورت مستمر و پویا افزایش یافته و هرروز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد و در کنار آن نهادهای اجتماعی متحول شده و نگرش‌ها تغییر پیدا خواهد کرد. بنابراین توسعه عبارت است از رشد مداوم اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد آن که ناشی از دگرگونی و تحول در بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه است.

یکی از عواملی که توسعه‌ی اقتصادی را دشوار ساخته و با مشکل روبرو می‌کند فساد است. فساد از گذشته‌های دور به عنوان یک مسئله اجتماعی و اقتصادی وجود داشته و امروزه به یکی از چالش‌های اقتصادی تبدیل شده است. با این وجود تلاش‌های هماهنگ برای مبارزه با این موضوع در سال‌های اخیر جامه عمل به خود کشیده است. جهان بدون فساد برای خیلی از دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی یک هدف مهم است.

فساد یک موضوع مهم در کشور هاست و دولتمردان در تلاش برای پیدا کردن راه هایی برای کاهش و کنترل فساد هستند.

در اینجا می توان به سه نکته اشاره کرد،

نکته اول: درحالی که هزینه های مستقیم اقتصادی فساد کاملاً شناخته شده است ولی هزینه های غیرمستقیم آن می تواند حتی قابل توجه تر و مخرب تر باشد و به کاهش رشد و نابرابری درآمدی منجر شود. افزون بر آن فساد اثر فرسایشی گسترده تری بر جامعه دارد زیرا اعتماد به دولت را زائل می کند و استانداردهای اخلاقی شهروندان را از بین می برد.

نکته دوم: اگرچه فساد پدیده کاملاً پیچیده ای است ولی این گزاره و یا افسانه که فساد اصولاً یک مشکل فرهنگی است و مقابله با آن چندین نسل به طول خواهد انجامید به نظر من قابل پذیرش نیست کشورهای وجود دارند که در یک زمان نسبتاً کوتاه توانستند در مقابله با آن به پیشرفت های مهمی دست پیدا کنند.

نکته سوم: تجربه نشان داده است که برای مقابله با فساد یک رویکرد کل نگرانه و درعین حال چندوجهی مورد نیاز است رویکردی که انگیزه های مناسب و حاکمیت قانون را ایجاد می کند، شفافیت را افزایش می دهد و اصلاحات اقتصادی را ارائه می کند که هرگونه فرصت انجام اعمال غیرقانونی را از بین می برد. شاید مهم ترین جزء یک رویکرد موفقیت آمیز ضد فساد ایجاد نهادهای قدرتمندی باشد که مرکزیت آن باید در داخل دستگاه اداری حرفه ای دولتی باشد این دستگاه باید هم از نفوذ اشخاص غیردولتی و هم مداخلات سیاسی به میزان کافی مصون باشد.

بر مبنای مطالعات و تجارب جوامع مختلف، فساد اقتصادی عامل برهم زدن توازن و تعادل نظام اجتماعی و فرهنگی، نظام اقتصادی و حتی ثبات نظام های سیاسی است کارکردهای سیستمی بخش های مختلف جامعه را بر هم می زند و شیوع آن در سطوح

نهادی و یا رده‌های بالای سیاسی و مدیران عالی‌رتبه می‌تواند مهم‌ترین زمینه تضعیف مشروعیت سیاسی محسوب شود. درواقع در عرصه امنیت داخلی تأثیرات و تهدیدات امنیتی این موضوع عمیق‌تر است و به‌نوعی تهدید استراتژیک برای نظام حقوقی و رژیم سیاسی محسوب می‌شود

از فساد غالباً به‌عنوان یک بیماری شدید نام‌برده می‌شود. بیماری سرطان و یا ایدز که به‌طور بی‌رحمانه از یک سازمان به سازمان دیگر و از یک‌نهاد به نهاد دیگر سرایت می‌کند. به‌طوری‌که تمام نهادهای موجود را تحلیل می‌برد تا منجر به فروپاشی سیستم سیاسی حاکم شود. فساد گسترده و فراگیر یکی از نشانه‌های ضعف حاکمیت است و عملکرد ضعیف حاکمیت می‌تواند روند رشد و توسعه اقتصادی را رو به تحلیل برد. بنابراین با توجه به اهمیت مسئله‌ی فساد و همچنین مشابهت‌هایی که دو کشور اسلامی ایران و مالزی دارند،^۱ به بررسی تطبیقی - تاریخی ایران و مالزی از حیث پدیده‌ی فساد و رابطه‌ی آن با توسعه‌ی اقتصادی می‌پردازیم تا به دلایل موفقیت مالزی^۲ در کنترل فساد پی برده و بتوانیم به راهکار مناسبی در ایران برسیم.

^۱ - این مشابهت‌ها شامل موارد زیر است: هر دو کشور ایران و مالزی حکومت اسلامی دارند، هر دو در یک دوره‌ی زمانی مشابهی در مسیر توسعه قرار گرفتند، هر دو نخبگان سیاسی و اقتصادی قدرتمندی داشتند (در مالزی ماهاتیر محمد و در ایران علی اکبر هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی)، هر دو کشور منابع طبیعی غنی دارند، هر دو کشور برای رسیدن به توسعه و مبارزه با فساد برنامه داشتند و تلاش کردند.

^۲ - مالزی تا زمان نگارش این کتاب پاک‌ترین کشوری است که دارای حکومت اسلامی است.

فصل اول: مالزی

مقدمه

کشورهای شرق آسیا که در گزارش بانک جهانی^۱ در تابستان ۱۹۹۳، نتیجه عملکردشان «معجزه شرق آسیا» نامیده شدند، از بین کشورهایی که با زمینه های اجتماعی^۲ متفاوت از غرب، فرایند صنعتی شدن^۳ را آغاز کردند، موفق ترین نمونه های جهان هستند. گزارش بانک جهانی، هشت اقتصاد^۴ را به عنوان اقتصادهای آسیایی با عملکرد بالا تعیین کرد که عبارتند از: ژاپن^۵، چهار اقتصاد شمال شرقی آسیا^۶ شامل جمهوری کره جنوبی^۷، تایوان^۸ (چین)^۹، سنگاپور^{۱۰}، هنگ کنگ^{۱۱} و سه اقتصاد جنوب شرق آسیا یعنی

-
- 1- The World Bank
 - 2- Social
 - 3- Industrialization
 - 4- Economy
 - 5- Japan
 - 6- Asia
 - 7- Republic of Korea
 - 8- Taiwan
 - 9- China
 - 10- Singapore
 - 11- Hong Kong

مالزی^۱، تایلند^۲ و اندونزی^۳ (جومو^۴، ۲۰۰۱: ۶۶۱). از بین کشورهای فوق، مالزی از سال های ۱۹۹۰ تا بحران ۱۹۹۷ رشد مداوم و پرتوانی را تجربه کرده است. رشد تولید به طور متوسط، ۸/۵ درصد در سال و نرخ بیکاری^۵ کمتر از ۳ درصد بود (اس وود^۶، ۲۰۰۵: ۱۶).

مالزی کشور نسبتاً کوچکی است که هنوز نیم قرن از تاریخ استقلال و شکل گیری اش به شکل کنونی سپری نشده است. تا چند دهه قبل صدور مواد اولیه خام به خصوص قلع و کائوچو تنها منبع عمده درآمد اقتصاد مالزی بود. چهار دهه قبل کشوری نیمه جنگل نشین محسوب می شد و مردمش دارای زندگی سطح متوسط و پایین بودند و اختلافات سرزمینی و مرزی با کشورهای نوظهور دیگر در منطقه و تعارضات چند قومی^۷ و نژادی^۸ یا به تعبیر روشن تر چندملیتی^۹ مردمش در داخل بحران های مهمی را به این کشور تحمیل می کرد. اما هیچ کدام از این ویژگی های تاریخی^{۱۰} مانع آن نشد که مالزی امروزه به عنوان یک بازیگر بسیار مهم در آسیا، در جهان اسلام و در میان غیرمتعهدها، در میان کشورهای دارای اقتصاد برتر و در میان صادرکنندگان تکنولوژی^{۱۱} ارتباطات جهان مطرح نباشد. مالزی کشوری مدعی توسعه^{۱۲} سازگار با فرهنگ و تمدن^{۱۳}

-
- 1- Malaysia
 - 2- Thailand
 - 3- Indonesia
 - 4- Jomo
 - 5- Unemployment
 - 6- Swood
 - 7- ethnic
 - 8- Racial
 - 9- Multinational
 - 10- Historical
 - 11- Technology
 - 12- Development
 - 13- civilization

بومی خود است و به عنوان یک الگوی توسعه در میان کشورهای اسلامی و در کشورهای آسیایی مورد توجه قرار گرفته است.

برنامه صنعتی شدن مالزی به طور جدی پس از استقلال^۱ این کشور در سال ۱۹۵۷م. آغاز شد و شش دهه از آن می گذرد. مالزی در این مدت، علی رغم گذراندن بحران اقتصادی میانه دهه ۱۹۹۰ از یک اقتصاد مبتنی بر کشاورزی^۲، به یکی از نمونه های موفق تبدیل شده است.

یکی از کشورهایی که نظام فدرال را برگزیده است، مالزی است. دلیل ایجاد شکل فدرال در مالزی به زمان استعمار مالزی توسط بریتانیا و طرح ایجاد اتحادیه متمرکز مالایا باز می گردد که با دو هدف ایجاد حکومت مقتدر مرکزی برای پاسخگویی بهتر به منافع سرمایه داری غرب و ارتقاء احساس هویت مشترک مالایی در میان مردم مختلف سرزمین، تدارک دیده شده بود (مسائل، ۱۳۷۵: ۲۰۵). بریتانیا قصد داشت با این عمل، حق کامل شهروندی^۳ را به چینی ها که از لحاظ اقتصادی قدرتمند بودند، اعطا نماید. در حالی که مالایی ها این امر را تهدیدی جدی علیه خود می دانستند. از طرفی وجود دولت مرکزی، موقعیت سلاطین مالایی را نیز با ابهام روبرو می ساخت (مسائل، ۱۳۷۵: ۱۸۰-۱۸۶). در نهایت ماهها کشمکش بین بریتانیا و رهبران محلی، منجر به کنار گذاشتن طرح دولت مرکزی شد و سرانجام منجر به ایجاد فدراسیون متشکل از سه سطح دولت مرکزی، محلی و ایالات در مالزی شد. (غفاری و افشاری، ۱۳۹۵).

1- Independence
2- Agriculture
3- Citizen

در سی و یکم آگوست^۱ ۱۹۵۷، فدراسیون مالایا که شامل نه ایالت^۲ شبه جزیره به اضافه ملاکا^۳ و پینانگ^۴ بود، به استقلال دست یافت. به این ترتیب در شانزدهم سپتامبر^۵ (شهریور) ۱۹۶۳ کشور مالزی از به هم پیوستن مالایا، صباح^۶، ساراواک^۷ و سنگاپور تشکیل شد (برازش، ۱۳۹۰: ۱۱۷). مطابق اصل سوم قانون اساسی^۸ مالزی، «اسلام دین رسمی فدراسیون^۹ است، اما سایر مذاهب قادرند در صلح و هماهنگی با دین رسمی در هر نقطه از فدراسیون اجرا شوند.

در مورد توسعه سیاسی^{۱۰} مالزی می توان گفت در مالزی با توسعه اقتصادی حاصل شده و نیز رشد طبقه می متوسط^{۱۱} در این کشور، فرایند توسعه سیاسی و دموکراسی^{۱۲} به عنوان عوامل تداوم بخش توسعه اقتصادی، در حال تعمیق و گسترش است. مالزی بیش از ۹۰ درصد باسواد دارد. در سال ۲۰۰۴ تنها ۴ درصد مردم زیر خط فقر^{۱۳} هستند و نرخ تورم^{۱۴} ۲ درصدی سالانه است. رشد اقتصادی^{۱۵} بالای این کشور در سالهای اخیر باعث پیشرفت سریع تکنولوژیکی و فرهنگی^{۱۶} شده است و در حال حاضر به عنوان اولین

-
- 1- August
 - 2- State
 - 3- Malacca
 - 4- Penang
 - 5- September
 - 6- Sabah
 - 7- Sarawak
 - 8- Constitution

۹- به فرانسوی: Fédération

- 10- Political development
- 11- middle class
- 12- Democracy

۱۳- خط فقر، آستانه فقر یا حد فقر، حداقل سطح درآمدی است که در یک کشور خاص، کافی تلقی می شود.

- 14- Consumer Price Index (CPI)
- 15- Economic Growth
- 16- Cultural

کشور پیشرفته اسلامی و هفدهمین کشور پیشرفته جهان مطرح است (برادران شرکا، ۱۳۸۸: ۱۷۲-۱۷۳). مالزی کشوری است که در رؤیای ایجاد جامعه ای هماهنگ، متحد، پیوسته در حال توسعه و کامیاب می باشد. اینها عناصر شکل دهنده درستکاری هستند. تسریع کننده اصلی نیل به چنین هدفی چشم انداز آرمانی ۲۰۲۰ است که در سال ۱۹۹۱ از سوی دولت مالزی با آرمان ایجاد ملت متحد، برخوردار از ارزشها و اصول اخلاقی محکم، آزاد اندیش و اهل مدارا و نوع دوست، دارای اقتصادی پیشرفته، کامیاب و صاحب اقتصاد رقابتی پویا، قوی و مقاوم مطرح شد.

در طول ۲۲ سال حکومت نخست وزیر ماهاتیر محمد^۱ (از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۳)، مالزی موفق شد با تغییر مسیر سیاست های اقتصادی خود، از اتکا به صادرات^۲ مواد خام^۳، به سمت توسعه علمی^۴، فرهنگی و صنعتی، ارائه خدمات و جلب گردشگران^۵، گام مثبتی در مسیر اقتصاد کشور بردارد. جانشینان وی سعی در ادامه راه او به سوی توسعه همه جانبه مالزی دارند.

موضوع فساد^۶ از دوره استعمار^۷ در این کشور وجود داشت. مطالعه ای در مورد مشکلات فساد موجود در دیوان سالاری^۸ دولتی توسط شیپان^۹، عضو شورای اداره

1- ma'haḍir bīn mo'hamad

2- Export

3- Raw materials

4- Academic

5- tourists

6- Corruption

7- Colonialism

8- Bureaucracy

9- Shearn

استعماری دولت فدرال، در سال ۱۹۴۰ انجام شد. او در گزارش خود اظهار داشت: «رشوه و فساد به طرز وحشتناکی در ادارات دولتی جریان دارد». در سال ۱۹۵۰ دولت استعماری، کمیسیونی^۱ را به ریاست قاضی ای.ان.تیلور^۲ برای تحقیق^۳ درباره سطح سلامت اداری^۴ در بین کارکنان دولتی^۵ تشکیل داد. این کمیسیون مأمور شد درباره میزان اقدامات آلوده به فساد در بین کارکنان دولتی تحقیق و پیشنهادهایی را برای کنترل چنین فعالیت ها ارائه نماید (ترمیز عبدالمناف و گوپتا^۶، ۱۳۹۵: ۱۵).

جغرافیا، جمعیت^۷



نقشه ۱-۱ ایالت های مالزی، منبع: سایت نیشن آنلاین، ۲۰۲۱،^۹

- 1- Commission
- 2- Taylor
- 3- Research
- 4- Official
- 5- Governmental
- 6- Gupta
- 7- Geography
- 8- population
- 9 -nations online

مالزی کشوری است در جنوب شرقی آسیا، دارای حکومت فدرال سلطنت مشروطه، همانطور که در نقشه ۴-۱ قابل مشاهده است، شامل ۱۳ ایالت (۱۱ ایالت مالایا^۱ به عنوان مالزی غربی، صباح و ساراواک به عنوان مالزی شرقی است) و سه سرزمین فدرال (کوآلا لامپور^۲، لابوآن^۳ و پوتراجایا^۴). مالزی توسط دریای چین جنوبی به دو منطقه شبه جزیره مالزی و جزیره برنئو^۵ در شرق مالزی تقسیم شده است. شبه جزیره مالزی دارای مرز زمینی و دریایی با تایلند و مرز دریایی با سنگاپور، ویتنام و اندونزی است. مالزی شرقی با بروئی^۶ و اندونزی^۷، مرز دریایی داشته و با فیلیپین^۸ و ویتنام^۹ مرزهای زمینی و دریایی دارد. کوآلا لامپور پایتخت ملی و بزرگترین شهر مالزی است. سه منطقه ی فدرال مذکور جزو مناطق دولت فدرال به شمار رفته و توسط وزیر مناطق فدرال اداره می شوند. این مناطق تحت حکومت پادشاه بوده و مقامات آن توسط پادشاه منصوب می گردند و قوانین فدرال در مورد آن ها جاری می شود. اما ایالات دارای قانون اساسی مجزا و قوای مستقل می باشند. (غفاری و افشاری، ۱۳۹۵) در ایالات ملاکا، صباح، ساراواک و پینانگ، عنوان رئیس ایالت فرماندار ایالتی است. اما عنوان رؤسای سایر ایالات، سلطان است. فرمانداران ایالات چهارگانه فوق به مدت چهار سال و از طرف

-
- 1-Malaya
 - 2- Kuala Lumpur
 - 3- Labuan
 - 4- Putrajaya
 - 5- Borneo
 - 6- Brunei
 - 7- Indonesia
 - 8- Philippines
 - 9- Vietnam

پادشاه تعیین می شوند. فرمانداران، دستورات دولت ایالتی مربوطه را به سرپرستی وزیر کل اجرا می کنند. دولت ایالتی بر طبق دستورات دولت فدرال در کوآلا لامپور اداره می شوند و پادشاه منتخب باید بر طبق دستورات دولت، عمل نماید. (برازش، ۱۳۹۰: ۱۱۹)

پوتراجایا مقر دولت فدرال است. مالزی با بیش از ۳۲ میلیون نفر جمعیت چهل و سومین کشور پرجمعیت جهان است. جنوبی ترین نقطه قاره اوراسیا در تانجونگ پیایی^۱ است. مالزی یکی از هفده کشور مگادایفرم^۲ است که تعدادی از گونه های بومی را در خود جای داده است (ای.ان.ویکی پدیا، ۲۰۲۱ بی).

سلسله مراتب سیاسی

نظام سیاسی فدراسیون مالزی پادشاهی مشروطه است. که در این میان پادشاه بیشتر یک نقش تشریفاتی دارد و قدرت اصلی در این کشور برعهده نخست وزیر است که رئیس قوه مجریه محسوب می شود و با نظر موافق پادشاه و رأی اکثریت مجلس نمایندگان انتخاب می شود و وظیفه اصلی او تدوین سیاست های کلان کشور و نظارت بر حسن اجرای آنهاست. از سوی دیگر قوه مقننه هم از دو مجلس سفلی یا مجلس نمایندگان و مجلس علیا یا مجلس سنا تشکیل شده است و طریقه انتخابات مجلس نمایندگان هر ۵ سال یکبار از طریق رأی گیری عمومی است و انتخابات مجلس سنا که ۷۰ عضو دارد، به این صورت است که، بیست و چهار نفر از اعضای آن توسط پادشاه و بر اساس پیشنهاد نخست وزیر منصوب می شود و مابقی اعضا هم از سوی قانونگذاران ایالت ها

1- Tanjung Piai

۲ - کشورهای دارای تنوع زیستی فراوان به انگلیسی: megadiverse countries: گروهی از کشورها هستند که بیشتر گونه های موجود در کره زمین در آنها قرار دارد و دارای تنوع زیستی بسیار بالایی هستند (فا.ویکی پدیا، ۲۰۲۱ ص).

برای هر ایالت دو نفر به مدت سه سال است. درباره قوه قضاییه ی کشور مالزی ، شایان ذکر است که قضات دادگاه های فدرال و دادگاه های عالی این کشور با پیشنهاد نخست وزیر و تصویب پادشاه صورت میگیرد (فلاح زاده ۱۳۸۳: ۴۲-۴۵). مجلس فدرال بالاترین مرجع قانونگذاری محسوب می شود و دوره آن پنج ساله است. در مالزی دولت از سیستم پارلمانی وست مینستر الگو گرفته است و سیستم حقوقی مبتنی بر قانون عادی است (ای.ان.ویکی پدیا، ۲۰۲۱ بی).

حکام ایالات، کنفرانسی^۲ با نام کنفرانس سران را تشکیل می دهند. این کنفرانس متشکل از حکام موروثی^۳ ۹ ایالت مالزی شرقی و ۴ فرماندار منصوب توسط پادشاه است که ۹ حاکم موروثی در کنفرانس ، یکی از خودشان را به عنوان پادشاه^۴ برای مدت ۵ سال انتخاب می کنند. اما ممکن است در هر زمان ، پادشاه با دادن استعفا نامه به کنفرانس سران ، از سمت خود کناره گیری کند و یا بوسیله ی کنفرانس سران، برکنار گردد. انتخاب پادشاه از میان حکام ایالات را می توان به نوعی نماد اقتدار^۵ ایالات در مالزی فرض نمود. اما با توجه به اینکه حکام ایالات منتخب مردم نیستند و بطور موروثی سر کار می آیند، اراده ی مردمی در آن تبلور نیافته است (غفاری و افشاری ، ۱۳۹۵).

۱ - Westminster: سیستم وست مینستر یا مدل وست مینستر نوعی دولت پارلمانی است که مجموعه ای از رویه ها را برای عملکرد یک قوه مقننه در بر می گیرد. این مفهوم اولین بار در انگلستان ایجاد شد. این اصطلاح از کاخ وست مینستر ، مقر فعلی پارلمان انگلستان است.

2- Conference

3- Hereditary

۴ - رئیس دولت پادشاه است که عنوان رسمی وی یانگ دی پرتوان آگونگ (Yang di-Pertuan Agong) است.

5- Authority

قانون اساسی

قانون اساسی مالزی، ابتدا تحت تأثیر شرایط سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم تدوین شد. شرایطی که ویژگی های آن عبارت بود از رشد احساسات ملی گرایانه ی اقوام مالایی و تلاش اقوام غیر مالایی برای به دست آوردن حق شهروندی و حقوق کامل سیاسی. در دسامبر^۱ ۱۹۴۵، حکومت استعماری انگلیس، توافقنامه هایی با پادشاهان ایالات مالایو امضا کرد که مجموعاً به پیمان های مک مایل^۲ معروف است. این پیمان ها را که پایه اصلی قوانین «اتحادیه ی مالایا» بود، انگلیس پیشنهاد کرده بود. این اتحادیه در آوریل ۱۹۴۶ بوجود آمد. ولی در سال ۱۹۴۸ به دلیل مخالفت قومی مالایی ها لغو شد. براساس توافقنامه فدراسیون مالایا در سال ۱۹۴۸ بسیاری از حقوق سنتی سلاطین مالایی را به آن ها برگرداندند. اولین انتخابات^۳ عمومی کشور در ژوئیه^۴ ۱۹۵۵ برگزار شد. بحث در مورد قانون اساسی مالایا در آگوست ۱۹۵۵ و نیز ژانویه^۵ و فوریه ۱۹۵۶ در لندن^۶ انجام شد. قانون اساسی جدید یعنی قانون اساسی فدراسیون مالایا در سی و یکم آگوست ۱۹۵۷ به هنگام اعلام رسمی استقلال مالزی به مرحله اجرا در آمد. در سال ۱۹۶۳، با پیوستن سنگاپور، صباح و ساراواک به فدراسیون، متممی به قانون اساسی اضافه شد و به صورت قانون اساسی فدراسیون مالزی درآمد (برازش، ۱۳۹۰: ۱۲۱). نقش

1- December

2- Mac Michael

3- election

4- June

5- January

6- London

پادشاه از زمان تغییر در قانون اساسی در سال ۱۹۹۴، با انتخاب وزرا و اعضای مجلس علیا، عمدتاً تشریفاتی بوده است.

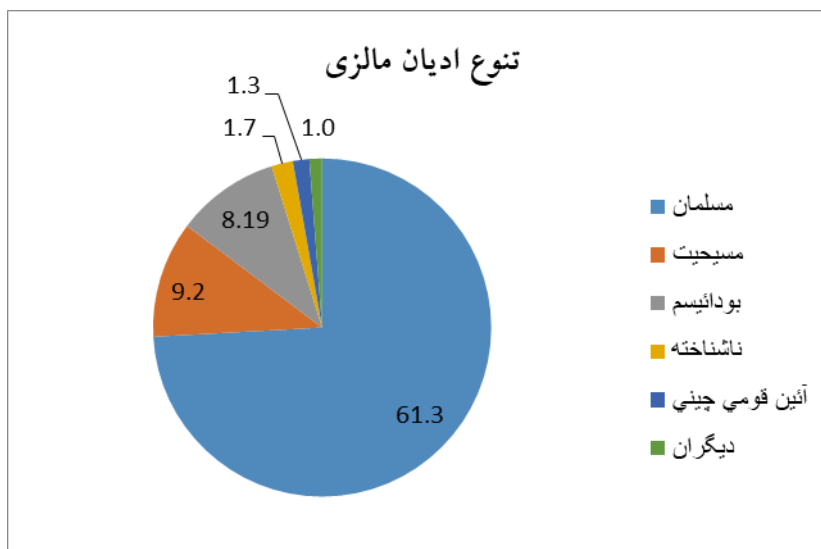
ساختار فرهنگی مالزی

تنوع ادیان

نسبت ادیان در مالزی بر طبق نمودار ۱-۱ بدین قرار است: مسلمان^۱ ۶۱.۳٪، مسیحیان^۲ ۹.۲٪، بودائیس^۳ ۸.۱۹٪، درصد هندوئیسم^۴ ۶.۳٪، ناشناخته، ۱.۷٪، آئین قومی چینی ۱.۳٪ و دیگران ۱٪.

بر طبق قانون اساسی فدرال، مذهب^۵ رسمی کشور مالزی، اسلام است و اکثریت مردم این کشور، پیرو دین اسلام هستند. مردم با ادیان مختلف در هر قسمت از این کشور آزادی کامل دارند و حق قانونی آن هاست که مراسم مذهبی خود را انجام دهند. وجود معابد مذهبی گوناگون در این کشور، خود بیانگر این واقعیت است. تقریباً همه مذاهب مهم دنیا در این کشور وجود دارد که نشان دهنده ی جمعیت چند نژادی است. (برازش، ۱۳۹۰: ۴۶)

1- Muslim
2- Christians
3-Buddhism
4-Hinduism
5- Religion



نمودار ۱-۱ تنوع ادیان مالزی

تنوع قومی

تنوع قومی^۱، میزان گوناگونی اقوامی را که در یک سرزمین مشترک زندگی می کنند توصیف می کند. (دیتر ایورز^۲ و همکاران، ۲۰۱۰) موضوعات پیرامون تنوع قومی، که قبلاً قلمرو انسان شناسان اجتماعی بود، نیز اغلب توسط رسانه^۳ های جمعی و سیاستمداران مورد توجه قرار می گیرد و دارای رنگ و بویی هنجاری است، که بیشتر به عنوان یک بار یا یک چالش، به جای مزیت، خصوصاً در تلاش های ملت سازی به آن نگرسته می شود. علیرغم مشاهده صد سال پیش دورکیم^۴ (۱۹۱۲: ۳۱) مبنی بر اینکه "قلمرو اجتماعی یک قلمرو طبیعی^۵ است که فقط با پیچیدگی بسیار بیشتر از بقیه

1- ethno-diversity

2- Dieter Evers

3- Media

4- Durkheim

5- natural

متفاوت است". ناهمگنی^۱ یا پیچیدگی، مفاهیمی نزدیک به تنوع هستند و غالباً برای انتقال همان معنی به کار می روند. ناهمگنی به توزیع افراد در گروه‌های مختلف اشاره دارد. هرچه تعداد گروه‌ها بیشتر باشد و نسبت جمعیتی که به یک یا چند نفر تعلق دارد کمتر باشد، ناهمگنی بیشتر است، مانند ناهمگنی قومی یک جامعه یا ناهمگنی مذهبی یک جامعه " (بلاو^۲، ۱۹۷۷: ۷۷؛ زیلتنر^۳ ۲۰۰۶). بسیاری از دولت‌های ملی بر وحدت ملی، جذب جوامع مهاجر^۴ و کاهش هویت^۵ قومی تأکید کرده اند. برخی از دولت‌ها حتی با "پاک سازی قومی" به عنوان ابزاری برای ایجاد یک جامعه یکسان، تنوع قومی را کاهش داده اند. اگرچه این موضع مورد بحث و مناقشه است، اما تنوع قومی هنوز هم عمده‌تاً به عنوان علتی برای درگیری، بی نظمی و مشکلات تلقی می شود. امید است که اختلافات اقتصادی و قومی کاهش یابد، شکاف‌ها بسته شود و از تنوع کاسته شود.

با وجود احترام به عقاید و شکیبایی در مورد آداب و رسوم در میان مردم مالزی نمی‌توان وجود فاصله اجتماعی بین اقوام مختلف را نادیده گرفت. مسئله‌ای که مدت‌ها همچون آتشفشان خاموش در درون جامعه مالزی وجود داشته است اختلافات قومی است. همین اختلافات در سال ۱۹۶۹ تنش‌های خشونت‌بار قومی را موجب شد و در دهه‌های بعد به نوعی رقابت پنهان بین این اقوام انجامید.

1- Inhomogeneous
 2- Blau
 3- Ziltener
 4- Immigrant
 5- Identity
 6- Tensions

یک دلیل برای تنوع زیاد گروه های قومی ، مذهبی و زبانی در مالزی را می توان در موقعیت جغرافیایی آن جستجو کرد. شبه جزیره مالزی در تقاطع تجارت دریایی بین غرب (هند^۱ و عربستان^۲) و شرق (چین) قرار دارد بنابراین تحرکات گسترده ای بین مردم و غرب و شرق و خود آسیای جنوب شرقی رخ داده است.

سیل عظیمی از چینی ها در قرن نوزدهم به کشور مالزی سرازیر شدند. بعضی از آنها به عنوان پناهنده وارد این کشور شدند و برخی به عنوان کارگر برای کار در معادن^۳ قلع یا تجارت، قدم به این کشور نهادند. در حال حاضر چینی تبارها کنترل بسیاری از امور تجاری و صنعتی این کشور را در دست گرفتند و حدود یک سوم کل جمعیت مالزی را تشکیل می دهند (برازش، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۵).

دولت استعماری برای برطرف کردن مشکل کیفی^۴ و کمی نیروی انسانی، مهاجرت اقوام هندی و چینی را به شبه جزیره مالایا تسهیل کرد و برای ایجاد اعتماد نسبت به امنیت و فایده مندی کار و زندگی در مالزی ، بنیان نهادهای مالکیت خصوصی را فراهم آورد. مالایی ها اکثراً در کشاورزی بومی ، هندی ها بیشتر در بخش خدمات و کشاورزی و چینی ها در معادن مشغول بودند. بنابراین تحت تأثیر سیاست های استعمار بریتانیا، مالزی از نظر قومی تقسیم شده و تقسیمات قومی با تقسیمات نقش های اقتصادی همراه شد (فاضلی و محمودیان، ۱۳۹۵).

1- India
2- Saudi Arabia
3- mines
4- Qualitatively

این شرایط نه تنها موجب اختلاط قومی در مالزی گردید بلکه سبب شد از همان ابتدا چینی‌ها به حیث اقتصادی از وضعیت بهتری نسبت به جمعیت بومی برخوردار باشند. از همین رو بعد از استقلال مالزی بر اساس یک سیاست غیر مدرن توافق بر این شد که مالایی‌ها دارای قدرت سیاسی باشند و چینی‌ها قدرت اقتصادی را در دست بگیرند اما این طرح از سوی هیچ کدام مورد پذیرش قرار نگرفت. به طوری که مایاها خواهان قدرت اقتصادی بیشتر و در مقابل چینی‌ها خواستار قدرت سیاسی بیشتر بودند. تشنج این مسائل زمینه شورش‌های سال ۱۹۶۹ را به وجود آورد. پس از این تنش‌ها دولت مالزی تلاش می‌کند با ایجاد ثبات سیاسی در کشور بدون اعمال کاهش سهم سیاسی قدرت مالایی‌ها توازن اقتصادی بین چینی‌تبارها و مالایی‌ها را از طریق ارائه امتیازات مختلف اصلاح نماید (رنجکش، ۱۳۹۵).

رهبران سیاسی کشورهای هم‌چون مالزی معمولاً به وحدت فشار می‌آورند. سیاست «یک مالزی»^۱ این کشور بر وحدت ملت تأکید می‌کند و این پیام را می‌دهد که "ما همه مالزیایی هستیم"، نه مالزیایی‌ها، چینی‌ها، هندی‌ها و دیگران (دیتر ایورز و همکاران، ۲۰۱۰).

این استراتژی^۲ را می‌توان یک شیوه اجرایی اندیشه امت واحده در دین اسلام دانست در واقع با حضور مهاجران چینی و هندی و جمعیت عظیم سرخپوستان دولت مالزی توانست با تأکید بر ضرورت‌های اقتصادی و شکل دادن به یک هدف مشترک برای

1- Satu Malaysia - One Malaysia

2- Strategy

قومیت های مختلف حس هویت مالزیایی را حتی برای چینی ها و هندی های مهاجر در این کشور به وجود آورد. اجرای مقررات قانونی، احترام متقابل، رفتار اجتماعی مناسب و اخلاقیات از جمله اصلی ترین وظایفی است که فرهنگ در کشور مالزی برعهده دارد و از نمونه های عملیاتی آن میتوان به غنی سازی هویت ملی، قوت بخشیدن به درک متقابل فرهنگی در میان گروه ها و قومیت های مختلف و القاء آگاهی های فرهنگی و هنری به توده مردم اشاره نمود (مرادی حقیقی و موثقی گیلانی، ۱۳۹۴).

طرح مالزی واحد توسط نخست وزیر نجیب رزاق^۱ در ۶ سپتامبر ۲۰۰۸ برای تأکید بر یکپارچگی ملی گروه های قومیتی و مذهبی مالزی مطرح شد. هشت اصل مالزی واحد عبارتند از پشتکار، فرهنگ فضیلت، پذیرش، وفاداری، آموزش، تواضع، یکپارچگی و شایسته سالاری. از دیگر اهداف مالزی واحد ایجاد وحدت ملی فارغ از عقاید مذهبی و قومیتی بود. وجود گروه های مذهبی و قومیتی مختلف در مالزی یک چالش ملی است که نجیب تلاش می کند آن را به فرصتی برای پیشرفت تبدیل نماید. (سلطانی و صدیق، ۱۳۹۵).

نقش اقلیت های چینی در اقتصاد منطقه

نیزبیت (۱۳۸۵) در اثر خود (آسیا به کجا می رود)، نشان داده است، پذیرش اقلیت های چینی تبار در کشورهای آسیای جنوب شرقی، موتور محرکه ی توسعه در منطقه محسوب می شده است. اقلیت های چینی که از بزرگترین کارآفرینان^۲ دنیا هستند، آن

طور که از برآوردهای موجود بر می آید، بین ۲-۳ تریلیون دلار دارایی دارند. در کشورهای پر تحرک آسیای جنوب شرقی چینی تباران ثروت های عظیم را کنترل می کنند که هیچ تناسبی با جمعیت آنها ندارد. در مالزی چینی تباران ۳۰٪ جمعیت را تشکیل می دهند ولی ۶۱٪ کل اقتصاد کشور را در دست دارند. برخی از تاریخ نگاران^۱ تا آنجا پیش رفتند که می گویند: اقتصادهای آسیای جنوب شرقی به یک معنا در اجاره ی چینی تباران قرار دارد و مردم اصلی این کشورها در اداره ی امور دولتی متمرکز شده اند.

از طرف دیگر در بهره برداری از فرصت های سیاسی بزرگ ترین مقام اجرایی در مالزی در دست نخست وزیر است از این رو اگر چه در انتخابات مالزی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای سایر اقلیت ها محفوظ شده است اما مقام نخست وزیری در دست مالایی ها است. بنابراین آنچه که به وضوح قابل برداشت است، از نگاه جامعه شناسانه هنوز مالایی ها، هندیان و چینی ها را به عنوان اتباع خارجی قلمداد می کنند به عبارت دیگر هنوز چینی ها و هندی ها نتوانستند در جامعه مالزی به درستی ادغام شوند به طوری که در انتخابات سال ۲۰۱۳ مالزی علیرغم اینکه نجیب تون رزاق به پیروزی می رسد اما به دلیل کرسی های از دست داده مجلس ناشی از فعالیت موفق حزب چینی مخالف دولت یعنی (دی.آ.پی)^۲ نسبت به این پیروزی واکنش نشان داده و از آن با نام سونامی چینی یاد میکند در حقیقت اصطلاح به کار گرفته در همین چارچوب قابل تفسیر می باشد (رنجکش ، ۱۳۹۸). به طور خلاصه برنامه های توسعه مالزی گرچه

1- Historians

2- dap: Democratic Actions Party

توانست رشد اقتصادی چشمگیری برای مالزی بیاورد ولی بخشی از این برنامه ها که اختصاص به بهبود وضعیت بومی داشت با وجود صرف هزینه های هنگفت و اعطای امتیازات زیاد نتیجه رضایت بخشی نداشت و نتوانست به اهداف خود (کاهش فاصله اقتصادی میان اقوام) برسد. ادامه چنین وضعیتی برای مالایی ها و نیز برای اقلیت های قومی دیگر می تواند بالقوه خطرناک باشد. بطوری که اگر برخورد نسنجیده ای در ارتباط با قومیت ها صورت گیرد ممکن است به تنش های شدید منجر شود و از سوی دیگر بخشی از چینی تبارها و هندی تبارها با وجود بی بهره بودن از هیچگونه امتیازی توانستند با کار و تلاش زیاد سهم بیشتری در اقتصاد مالزی کسب نمایند. آنها ضمن برخورداری از منافع مالی قابل توجه، در رشد و توسعه مالزی نیز سهم بسزایی داشتند (صاحبی گلمکانی، ۱۳۹۵: ۸۸-۸۹).

حوادث مناقشه برانگیز در مالزی

از جمله حوادث مناقشه برانگیز قومی و مذهبی در مالزی، کشمکش بر سر استفاده از واژه الله، توقیف کتابهای مقدس مسیحیان، چاپ مقاله ای تحت عنوان «آمریکا^۱ و جهاد- در کجا ایستاده اند»، جشن انجیل^۲ سوزان، ماجرای حمله به کلیساها و مساجد^۳، ممنوعیت تبلیغ مسیحیت و هر دین دیگری در میان مسلمانان، در حالی که تبلیغ اسلام در میان ادیان دیگر اشکالی ندارد، می باشد (صاحبی گلمکانی، ۱۳۹۵: ۹۳-۱۰۰).

1- America
2- Bible
3- mosques